**باسمه تعالی**

[أوقات نماز های یومیه 1](#_Toc466916156)

[ابتدای وقت نماز ظهر 2](#_Toc466916157)

[محل بحث 2](#_Toc466916158)

[روایات در رابطه با وقت نماز ظهر و عصر 3](#_Toc466916159)

[مفاد روایات 4](#_Toc466916160)

[دو مطلب 6](#_Toc466916161)

[مطلب أول 6](#_Toc466916162)

[مناقشه 7](#_Toc466916163)

[مطلب دوم 7](#_Toc466916164)

[مناقشه 7](#_Toc466916165)

[وقت نماز ظهر در تابستان 8](#_Toc466916166)

**موضوع**: کتاب الصلاۀ/أوقات نماز های یومیّه /ابتدای وقت نماز ظهر

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## أوقات نماز های یومیه

بحث راجع به اوقات نماز های یومیه بود. عرض کردیم مسلّم است که اول وقت نماز ظهر و عصر زوال شمس است. البته برخی از روایات فرموده اند: اول وقت نماز ظهر این است که سایه به اندازه یک قدم بالا بیاید و برخی روایات دیگر گفته اند سایه به اندازه دو قدم که یک ذراع می شود بالا بیاید.

**مقدّمه:** در روایات ما چنین وارد شده که: معیار شاخص در زمان پیامبر جدار مسجد النبی بود. قبل از این‌که سقف بزنند به اندازه یک قامت انسان دور مسجد دیوار کشیده بودند، و این دیوار شاخص أذان ظهر بود. لذا روایتی که می گوید اگر سایه یک قدم بالا بیاید یعنی نسبت قدم با قامت انسان که یک هفتم می شود. و اگر گفته اند قدمان و ذراع مراد دو هفتم است. قامت انسان متعارف با قدم انسان متعارف را که حساب کردند یک هفتم و دو هفتم به دست آمد.

لذا در هر شاخصی اگر سایه به حداقل رسید و شروع به زیاد شدن کرد زوال محقّق می شود و اگر سایه به یک هفتم آن شاخص رسید «بلوغ الظلّ إلی قدم» می شود و اگر به دو هفتم آن شاخص رسید «بلوغ الظلّ القدمین» می شود. توجّه شود، سایه ای که هنگام زوال وجود دارد محاسبه نمی شود و مراد این است که به اندازه یک هفتم یا دو هفتم شاخص بر سایه افزوده شود.

## ابتدای وقت نماز ظهر

در روایات گاهی می‌گوید نماز ظهر را عند بلوغ الظل القدم بخوانید، در برخی از روایات می‌گوید عند بلوغ الظل القدمین بخوانید. این روایات را مطرح کنیم بعد رابطه‌اش را با این روایاتی که می‌گوید (اذا زالت الشمس وجبت الظهر و العصر، ‌دخل الوقتان) توضیح بدهیم.

### محل بحث

**تذکّر:** مناطق نزدیک قطب مشکل خاص خودش را دارد؛ هم در طلوع فجر اصلا به آن معنا سپیده صبح ندارند. هم ضوابطی که برای وقت فضیلت نماز ظهر که همان بلوغ الظل القدم یا القدمین، در آنجا نیست. یا حتی زوال حمره مشرقیه در آنجا مشکل دارد.

مثلاً در وقت نماز صبح اصلا اینها سپیده صبح ندارند. روز اینها مثل پنج دقیقه قبل از غروب آفتاب ما است. شب اینها مثل پنج دقیقه بعد از غروب آفتاب ما است. یعنی در واقع که نگاه می‌کند می‌بیند خورشید آن تَه افق در روز دائم در حال دور زدن است. بستگی دارد روز چند ساعت باشد. اگر مثلا روزهای تابستانی باشد که گاهی تا 22 ساعت هم می رسد،در این 22 ساعت این خورشید دائم دور این افق، یعنی دور آن منتهاالیه افق می‌چرخد. شب که می‌شود به اندازه چند درجه می‌رود زیر افق. ولی مثل پنج دقیقه بعد از غروب آفتاب ما است. لذا خیط ابیض من الخیط الاسود من الفجری در کار نیست. آن وقت اینها برای روزه چه کار کنند، برای نماز چه کار کنند.

لذا بحث مناطق نزدیک به قطب را مستقل کردیم و فعلاً خط استواء و مناطق معتدله که زمان صدور این روایات، بخش مسکونی و قابل دسترسی زمین بود است را بحث می کنیم. و روایات هم به همین بخش ناظر است.

### روایات در رابطه با وقت نماز ظهر و عصر

**روایت أول،معتبره اسماعیل بن عبدالخالق**: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ وَقْتِ الظُّهْرِ- فَقَالَ بَعْدَ الزَّوَالِ بِقَدَمٍ أَوْ نَحْوِ ذَلِكَ- إِلَّا فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ أَوْ فِي السَّفَرِ فَإِنَّ وَقْتَهَا حِينَ تَزُولُ[[1]](#footnote-1).

 یعنی حدود یک هفتم شاخص سایه بالا بیاید.

**روایت دوم،معتبره ذریح محاربی**: وَ عَنْهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ ذَرِيحٍ الْمُحَارِبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أُنَاسٌ وَ أَنَا حَاضِرٌ إِلَى أَنْ قَالَ- فَقَالَ بَعْضُ الْقَوْمِ إِنَّا نُصَلِّي الْأُولَى- إِذَا كَانَتْ عَلَى قَدَمَيْنِ وَ الْعَصْرَ عَلَى أَرْبَعَةِ أَقْدَامٍ- فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع النِّصْفُ مِنْ ذَلِكَ أَحَبُّ إِلَيَّ[[2]](#footnote-2).

فرض می کند که نماز ظهر را زمانی می خوانند که سایه دو هفتم شاخص برسد و نماز عصر را زمانی می خواند که سایه شاخص به دو هفتم شاخص می رسد که حضرت می فرمایند نصف این حدّ را بیشتر دوست دارم: یعنی نماز ظهر بعد از زیاد شدن سایه شاخص به اندازه یک هفتم و نماز عصر بعد از این که سایه به اندازه دو هفتم شاخص زیاد شد، خوانده شود.

**روایت سوم صحیحه فضلاء**: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ‌ يَسَارٍ وَ زُرَارَةَ بْنِ أَعْيَنَ وَ بُكَيْرِ بْنِ أَعْيَنَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعِجْلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُمَا قَالا وَقْتُ الظُّهْرِ بَعْدَ الزَّوَالِ قَدَمَانِ- وَ وَقْتُ الْعَصْرِ بَعْدَ ذَلِكَ قَدَمَانِ[[3]](#footnote-3).

چون راوی متعدّد است و همه فاضل اند اسم این روایت را صحیحه فضلاء گذاشته اند.

**روایت چهارم صحیحه زراره**: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ وَقْتِ الظُّهْرِ فَقَالَ ذِرَاعٌ مِنْ زَوَالِ الشَّمْسِ- وَ وَقْتُ الْعَصْرِ ذِرَاعاً مِنْ وَقْتِ الظُّهْرِ- فَذَاكَ أَرْبَعَةُ أَقْدَامٍ مِنْ زَوَالِ الشَّمْسِ- ثُمَّ قَالَ إِنَّ حَائِطَ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ص كَانَ قَامَةً- وَ كَانَ إِذَا مَضَى مِنْهُ ذِرَاعٌ صَلَّى الظُّهْرَ- وَ إِذَا مَضَى مِنْهُ ذِرَاعَانِ صَلَّى الْعَصْرَ- ثُمَّ قَالَ أَ تَدْرِي لِمَ جُعِلَ الذِّرَاعُ وَ الذِّرَاعَانِ- قُلْتُ لِمَ جُعِلَ ذَلِكَ قَالَ لِمَكَانِ النَّافِلَةِ- لَكَ أَنْ تَتَنَفَّلَ مِنْ زَوَالِ الشَّمْسِ إِلَى أَنْ يَمْضِيَ ذِرَاعٌ- فَإِذَا بَلَغَ فَيْؤُكَ ذِرَاعاً بَدَأْتَ بِالْفَرِيضَةِ وَ تَرَكْتَ النَّافِلَةَ وَ إِذَا بَلَغَ فَيْؤُكَ ذِرَاعَيْنِ- بَدَأْتَ بِالْفَرِيضَةِ وَ تَرَكْتَ النَّافِلَةَ[[4]](#footnote-4).

برخی مثل آقای خوئی بر اساس تعبیر«ترکت النافله» فرموده اند که دیگر نافله مشروع نیست. می توانی نماز ظهر بخوانی و اگر خواستی بعداً نافله را قضاء کن. و ظاهر روایت همین است.

**روایت پنجم صحیحه عبدالله بن سنان**: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ جَمِيعاً عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ جَمِيعاً عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: كَانَ حَائِطُ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ص‌ قَبْلَ أَنْ يُظَلَّلَ قَامَةً- وَ كَانَ إِذَا كَانَ الْفَيْ‌ءُ ذِرَاعاً وَ هُوَ قَدْرُ مَرْبِضِ عَنْزٍ صَلَّى الظُّهْرَ- فَإِذَا كَانَ ضِعْفَ ذَلِكَ صَلَّى الْعَصْرَ[[5]](#footnote-5).

مربض عنز یعنی به اندازه آن جایی که یک بز قرار می‌گیرد و می‌خوابد که آن زمان این علامت ها را می فهمیدند.

**روایت ششم معتبره اسماعیل جعفی**: وَ عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عُدَيْسٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ‌ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا كَانَ الْفَيْ‌ءُ- فِي الْجِدَارِ ذِرَاعاً صَلَّى الظُّهْرَ- وَ إِذَا كَانَ ذِرَاعَيْنِ صَلَّى الْعَصْرَ- قُلْتُ الْجُدْرَانُ تَخْتَلِفُ مِنْهَا قَصِيرٌ وَ مِنْهَا طَوِيلٌ- قَالَ إِنَّ جِدَارَ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ص كَانَ يَوْمَئِذٍ قَامَةً- وَ إِنَّمَا جُعِلَ الذِّرَاعُ وَ الذِّرَاعَانِ- لِئَلَّا يَكُونَ تَطَوُّعٌ فِي وَقْتِ فَرِيضَةٍ[[6]](#footnote-6).

می فرماید: علت این‌که گفتند وقت نماز ظهر بعد از بلوغ سایه به ذراع است نه ابتداء اذان ظهر،این است که دیگر وقت فریضه نباشد تا بتوانی نافله ظهر را بخوانی ولی وقتی ظل به یک ذراع رسید دیگر حقّ نافله خواندن نداری.

### مفاد روایات

 از این روایات به وضوح استفاده می شود که یک وقت ابتدایی برای نماز ظهر و عصر داریم که زوال شمس است و یک وقتی هم داریم که به خاطر رعایت نافله ظهر و عصر تشریع شده است و مستحبّ است انسان در این وقت تا قبل از اتمام زمان مشخّص شده نافله را بخواند و بعد از رسیدن این زمان نماز ظهر یا عصر را شروع کند؛

و این مطلب از خود این روایات به دست می آید:

در معتبره اسماعیل بن عبدالخالق آمده: «وقت الظهر بعد الزوال بقدم او نحو ذلک الا یوم الجمعة و فی السفر فان وقتها حیت تزول الشمس» در سفر و روز جمعه چون هنگام زوال نافله نداریم لذا فرموده است أول زوال شمس وقت نماز ظهر است.(خطبه های روز جمعه جزء نماز است و وقت آن زوال شمس است)

و در روایت زراره آمده: «اتدری لم جعل الذراع و الذراعان: قلت لم؟ قال لمکان النافلة» این ها همه مشخص می‌کند که به خاطر نافله است. لذا اگر کسی نافله نمی خواند بهتر است همان أول وقت نماز ظهر را بخواند و تأخیر نیندازد: استبقوا الخیرات، سارعوا إلی مغفرۀ من ربّکم.

و أمّا این اختلاف در روایات که یکی می‌گوید «نصف ذلک احب الیّ» یعنی وقت نماز بعد از یک قدم باشد، با آن روایتی که می‌گوید «وقت الظهر قدمان» توجیهش این است که؛

بهتر این است که نافله ظهر را تا قبل از این که سایه شاخص یک هفتم زیاد شود خوانده شود و نماز ظهر بعد از رسید سایه به یک هفتم خوانده شود. و این مرتبه اعلی فضیلت است. مرتبه بعد این است که قبل از این که سایه شاخص به دو هفتم برسد نافله را بخواند و بعد نماز ظهر را بخواند.

**اشکال:** پیغمبر که مقید بود و طبق توجیه شما پیغمبر أفضل را انجام نمی دادند زیرا تعبیر چنین بود: «کان اذا بلغ الظل الذراع یصلی الظهر»

**جواب:** پیغمبررعایت اضعف الماموین را می‌کرد. همه که نمی‌توانند سریع نماز نافله بخوانند. یک عده تا بیایند وضوء بگیرند، تا بروند غسل کنند، ‌تا بیایند نماز نافله ظهر بخوانند، چه بسا طول می‌کشد، ‌بلوغ قدمین می‌شود. لذا پیغمبر رعایت اضعف الماموین را می‌کرد و دیرتر نماز جماعت ظهر را شروع می‌کرد.

ولی ظاهر «نصف ذلک احب الی» در معتبره اسماعیل بن عبدالخالق این است که اگر این شرائط زعامتی و اقامتی پیغمبر نبود بهتر همین بود که به اندازه یک قدم یعنی یک هفتم شاخص سایه بالا بیاید بیشتر از این صبر نکنید.

باز شواهدی بگوییم برای این مطلب که به خاطر نافله، وقت نماز ظهر تأخیر می افتد:

**روایت هفتم، عمر بن حنظله:** بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ: كُنْتُ أَقِيسُ الشَّمْسَ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ- ع فَقَالَ يَا عُمَرُ أَ لَا أُنَبِّئُكَ بِأَبْيَنَ مِنْ هَذَا قَالَ- قُلْتُ بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ- فَقَدْ وَقَعَ وَقْتُ‌ الظُّهْرِ إِلَّا أَنَّ بَيْنَ يَدَيْهَا سُبْحَةً- وَ ذَلِكَ إِلَيْكَ فَإِنْ أَنْتَ خَفَّفْتَ فَحِينَ تَفْرُغُ مِنْ سُبْحَتِكَ- وَ إِنْ طَوَّلْتَ فَحِينَ تَفْرُغُ مِنْ سُبْحَتِكَ[[7]](#footnote-7).

راوی می گوید: خورشید را اندازه گیری می کردم تا ببینم ظهر شده یا نه. حضرت فرمود به آسمان نگاه نکن، به همان زوال نگاه کن یعنی به شروع سایه اجسام. اگر شروع به زیاد شدن کرد وقت ظهر داخل شده است.

می فرماید بعد از سبحۀ یعنی نافله ظهر، نماز ظهر را شروع کن؛ یعنی تأخیر نماز ظهر به جهت نافله است و هر گاه نافله تمام شد نماز را شروع کن. البته اگر سایه به اندازه دو هفتم شاخص زیاد شد طبق روایات دیگر، وقت نافله ظهرتمام می شود.

**روایت هشتم،موثقه محمد بن أحمد بن یحیی**: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى قَالَ كَتَبَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا إِلَى أَبِي الْحَسَنِ ع- رُوِيَ عَنْ آبَائِكَ‌ الْقَدَمِ وَ الْقَدَمَيْنِ وَ الْأَرْبَعِ- وَ الْقَامَةِ وَ الْقَامَتَيْنِ وَ ظِلِّ مِثْلِكَ- وَ الذِّرَاعِ وَ الذِّرَاعَيْنِ فَكَتَبَ ع- لَا الْقَدَمِ وَ لَا الْقَدَمَيْنِ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ- فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاةِ- وَ بَيْنَ يَدَيْهَا سُبْحَةٌ وَ هِيَ ثَمَانُ رَكَعَاتٍ- فَإِنْ شِئْتَ طَوَّلَتْ وَ إِنْ شِئْتَ قَصَّرْتَ- ثُمَّ صَلِّ الظُّهْرَ فَإِذَا فَرَغْتَ كَانَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ سُبْحَةٌ- وَ هِيَ ثَمَانِي رَكَعَاتٍ إِنْ شِئْتَ طَوَّلْتَ- وَ إِنْ شِئْتَ قَصَّرْتَ ثُمَّ صَلِّ الْعَصْرَ[[8]](#footnote-8).

از این روایت به وضوح استفاده می شود که وقت نماز ظهر هنگام اذان ظهر است. علت این‌که به تاخیر می‌اندازی به خاطر این است که می‌خواهی نافله ظهر بخوانی.

#### دو مطلب

#### مطلب أول

آقای خویی فرموده اند پیامبر گاهی نماز ظهر و عصر را هنگام أذان ظهر می خواندند و تا بلوغ سایه شاخص به ذراع تأخیر نمی انداختند. و موثقه زراره را شاهد این مطلب گرفته اند؛

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ ص بِالنَّاسِ الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ- حِينَ زَالَتِ الشَّمْسُ فِي جَمَاعَةٍ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ- وَ صَلَّى بِهِمُ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ- قَبْلَ سُقُوطِ الشَّفَقِ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فِي جَمَاعَةٍ- وَ إِنَّمَا فَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِيَتَّسِعَ الْوَقْتُ عَلَى أُمَّتِهِ[[9]](#footnote-9).

آقای خویی می فرماید این روایت دلالت دارد که پیغمبر بدون هیچ مشکلی بعد از أذان ظهر نماز خوانده است.

##### مناقشه

این روایت ربطی به أذان ظهر و نماز ظهر ندارد و مربوط به بحث جمع بین نماز ظهر و عصر است؛ لذا در ادامه می گوید «و صلی بهم المغرب و العشاء الآخرة قبل سقوط الشفق» قبل از سقوط شفق که وقت عشاء است، نماز مغرب و عشاء را خواند. یعنی جمع بین صلاتین کرد و تفریق نکرد.یعنی پیامبر گاهی بدون عذر بین دو نماز تفریق نمی کرد تا بفهماند جمع بین صلاتین جایز است. ظاهر روایت این را می گوید و نمی خواهد بگوید که پیامبر نافله ظهر را نمی خواندند. و این مطلب بعید است که پیامبر به دیگران سفارش کند که نافله بخوانید«الأخذ بسنّتی» و بعد خود او گاهی نافله را ترک کند.

بله ممکن است پیامبر در سفر بوده و نافله نخوانده است ولی این روایت قید من غیر علّۀ دارد، یعنی در سفر هم نبوده است.

لذا معنای روایت این است که هنگام زوال حضرت نماز ها را می خواندند نه این که بدون نافله بلکه با مقدمات آن نماز را انجام می دادند مثلاً وضو گرفتن و من جمله نافله خواندن که از متعلّقات نماز هستند را به همراه نماز ظهر، و نافله عصر را به همراه نماز عصر بعد از زوال می خواندند و صبر نمی کردند تا وقت فضیلت عصر بیاید و آن موقع نماز عصر را بخواند.

#### مطلب دوم

مطلب دیگر این است که آقای خوئی فرموده اند: بعضی از روایات گفته است وقت نماز ظهر زمانی است که سایه به حدّ قامت انسان برسد. بعد در مورد آن بحث کرده است.

##### مناقشه

فکر می‌کنم این مطلب اصلاً بحث نداشت. برای این‌که هیچ روایتی نمی‌گوید وقت نماز ظهر موقعی است که سایه به اندازه قامت انسان برسد، و روایات آخر وقت فضیلت نماز ظهر را می‌گویند. آخر وقت فضیلت نماز ظهر آن وقتی است که سایه به اندازه قامت انسان بشود. روایت منتهاالیه وقت نماز ظهر را می‌گوید؛ حال وقت فضیلت است یا وقت عزیمت است آن بحث دیگری است که می‌رسیم.

شاهی این مطلب روایت عبیس است: وَ عَنْهُ عَنْ عُبَيْسٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ قَالَ: سَمِعْتُ الْعَبْدَ الصَّالِحَ ع وَ هُوَ يَقُولُ إِنَّ أَوَّلَ وَقْتِ الظُّهْرِ زَوَالُ الشَّمْسِ- وَ آخِرَ وَقْتِهَا قَامَةٌ مِنَ الزَّوَالِ- وَ أَوَّلَ وَقْتِ الْعَصْرِ قَامَةٌ وَ آخِرَ وَقْتِهَا قَامَتَانِ- قُلْتُ فِي الشِّتَاءِ وَ الصَّيْفِ سَوَاءٌ قَالَ نَعَمْ[[10]](#footnote-10). عبیس مجهول است. محمد بن حکیم هم ابن ابی عمیر از او نقل می‌کند لذا به نظر ما ثقه است. در این روایت آخر وقت نماز را قامۀ دانسته است. لذا جای این بحثی که آقای خویی مطرح کرده أصلاً اینجا نیست.

و صاحب حدائق توجیه کرده که شاید مراد از قامۀ، ذراع باشد؛ چون در روایت علی بن أبی حمزه آمده است: «فی کتاب علی علیه السلام القامة ذراع» حال صاحب حدائق به خاطر یک روایت ضعیف قامت را به معنای ذراع گرفت. علاوه بر این که خلاف ظاهر است بگوییم قامت در هر روایتی به معنای ذراع باشد. در خود روایتی که می گفت جدار مسجد پیامبر اندازه قامت یک انسان بود، نسبت ذراع به قامت را حساب می کرد یعنی دو هفتم.

### وقت نماز ظهر در تابستان

خلاصه عرض‌ ما این شد که از روایات استفاده می‌شود برای حفظ نافله ظهر و این‌که تطوع در وقت فریضه نشود شارع فرموده است: وقت ظهر موقعی است که ظل شاخص به یک قدم برسد یا دو قدم برسد. و روایت هم می‌گوید هذا فی الصیف و الشتاء واحد[[11]](#footnote-11).

ولی یک روایتی داریم می‌گوید در وقت قیظ یعنی در وقت شدت گرما، موقعی نماز ظهر را بخوانید که سایه به اندازه خود شاخص شده باشد: مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْكَشِّيُّ فِي كِتَابِ الرِّجَالِ عَنْ‌ حَمْدَوَيْهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: دَخَلَ زُرَارَةُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ- إِنَّكُمْ قُلْتُمْ لَنَا فِي الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ عَلَى ذِرَاعٍ وَ ذِرَاعَيْنِ- ثُمَّ قُلْتُمْ أَبْرِدُوا بِهَا فِي الصَّيْفِ فَكَيْفَ الْإِبْرَادُ بِهَا- وَ فَتَحَ أَلْوَاحَهُ لِيَكْتُبَ مَا يَقُولُ- فَلَمْ يُجِبْهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع بِشَيْ‌ءٍ- فَأَطْبَقَ أَلْوَاحَهُ وَ قَالَ إِنَّمَا عَلَيْنَا أَنْ نَسْأَلَكُمْ- وَ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِمَا عَلَيْكُمْ وَ خَرَجَ- وَ دَخَلَ أَبُو بَصِيرٍ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع- فَقَالَ إِنَّ زُرَارَةَ سَأَلَنِي عَنْ شَيْ‌ءٍ- فَلَمْ أُجِبْهُ وَ قَدْ ضِقْتُ مِنْ ذَلِكَ- فَاذْهَبْ أَنْتَ رَسُولِي إِلَيْهِ فَقُلْ- صَلِّ الظُّهْرَ فِي الصَّيْفِ إِذَا كَانَ ظِلُّكَ مِثْلَكَ- وَ الْعَصْرَ إِذَا كَانَ مِثْلَيْكَ- وَ كَانَ زُرَارَةُ هَكَذَا يُصَلِّي فِي الصَّيْفِ- وَ لَمْ أَسْمَعْ أَحَداً مِنْ أَصْحَابِنَا يَفْعَلُ ذَلِكَ- غَيْرَهُ وَ غَيْرَ ابْنِ بُكَيْرٍ[[12]](#footnote-12).

ما سند را صحیح می‌دانیم: قاسم بن عروة از مشایخ ابن ابی عمیر است.

**ترجمه روایت:** یابن رسول الله شما فرمودید نماز ظهر وقتی بخوانیم که سایه شاخص یک ذراع زیاد بشود، نماز عصر هم موقعی بخوانیم که دو ذراع سایه شاخص زیاد بشود، بعد فرمودید در تابستان ابراد کنید، چه جور ابراد کنیم؟ منتظر جواب امام بود و دفترش را باز کرد مثل یک شاگرد خاضع و خاشع، تا جواب امام را یادداشت کند. حضرت سکوت کرد، زراره هم دفتر را بست و گفت ما وظیفه‌مان سؤال است، ‌شما اعلم هستید به وظیفه خودتان، جواب دادید دادید، ندادید ندادید، و رفت، حضرت وقتی أبوبصیر می آید می گوید برایم سخت بود که جواب زراره را ندادم، شما پیام من را به او برسان، لذا تابستان که می‌شد زراره و ابن بکیر، پسر برادرش، موقعی نماز ظهر و عصر را می‌خواندند که دیگر سایه به حد مثل شاخص شده بود.

این روایت با روایتی که می گفت:«فی الشتاء و الصیف سواء؟ قال نعم» تنافی پیدا می‌کند اما از بعضی روایات استفاده می‌شود که پیغمبر در قیظ یعنی در شدت حرّ، در شدت گرما می‌فرمود ابرودا بالصلاة، ابراد هم یعنی سایه شاخص به مثل خودش برسد؛ برابر با خودش بشود. لذا می توان این روایت را حمل کنیم بر أیامی که گرما شدید است. و این جمع به نظر ما عرفی است.

ولی به هرحال، این روایت مشکلی سر راه وقت نماز ظهر به لحاظ مبدأ ایجاد نکرد.

اما منتهای نماز ظهرچیست؟ بحث مفصل است. ان شاء الله خلاصه‌اش را در جلسه بعد عرض می‌کنیم که آیا واجب است طبق بعضی از روایات تا قبل از فوت وقت فضیلت نماز ظهر را بخوانیم و تاخیر آن و لو فوت نمی‌شود، عصیان است. کما افتی به جماعة کما نقل عن الشیخ الطوسی و افتی به صاحب الحدائق یا نه؟

1. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 144‌ [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 146‌ [↑](#footnote-ref-2)
3. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 141‌ [↑](#footnote-ref-3)
4. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 141‌ [↑](#footnote-ref-4)
5. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 142‌ [↑](#footnote-ref-5)
6. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 148‌ [↑](#footnote-ref-6)
7. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 133‌ [↑](#footnote-ref-7)
8. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 134‌ [↑](#footnote-ref-8)
9. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 222‌ [↑](#footnote-ref-9)
10. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 148‌ [↑](#footnote-ref-10)
11. وَ عَنْهُ عَنِ الْمِيثَمِيِّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ أَفْضَلِ وَقْتِ الظُّهْرِ- قَالَ ذِرَاعٌ بَعْدَ الزَّوَالِ- قَالَ قُلْتُ: فِي الشِّتَاءِ وَ الصَّيْفِ سَوَاءٌ قَالَ نَعَمْ/ وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 147‌ [↑](#footnote-ref-11)
12. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 149‌ [↑](#footnote-ref-12)